



شخصیت

ماکیاولی

رویکردهای منفی به شمار می‌رود. برای تبیین علت‌های پدیدآیی چنین تیپ‌هایی، تحقیقات زیادی صورت‌نگرفته است اما در حالت کلی می‌توان به دو عامل محیط و ژنتیک اشاره نمود.

ویژگی‌های شخصیت ماکیاولی

• **جاه‌طلبی:** این قبیل تیپ‌ها، جز رسیدن به امیال و آرزوهای خود، به هیچ چیز دیگری فکر نمی‌کنند. همیشه بهترین را برای خود می‌خواهند و مدام به دنبال جاه، مقام و عظمت هستند.

• **تفرقه‌افکنی:** خط‌مشی این قبیل افراد، مطابق ضرب‌المثل «تفرقه بینداز و حکومت کن» است. اگر در رأس اداره یا سازمانی باشند و یا سرپرستی مکان و افرادی را برعهده داشته باشند، سعی می‌کنند با اختلاف‌افکنی میان افراد و به‌کارگیری سیستم پلیسی، اوضاع را در کنترل خود بگیرند.

• **دروویی:** رفتار دوگانه دارند؛ در مقام حرف و نظر، به‌گونه‌ای ظاهر می‌شوند و در مقام عمل، به‌گونه‌ای دیگر. در ظاهر، یک جور خود را نشان می‌دهند و در پشت صحنه به‌گونه‌ای نامتعارف عمل می‌کنند. خود را خیرخواه، مثبت، خاکی، مردمی و دموکراتیک نشان می‌دهند اما در نهان، خلاف آن‌را عمل می‌کنند به‌گونه‌ای که درباره‌ی آنان گفته می‌شود: «از پشت خنجر می‌زنند.»

• **دروغ‌گویی:** دروغ برای آنان به‌مثابه یک مکانیزم دفاعی در برابر دنیای بیرون است. از نظر آنان، تنها از راه دروغ‌گویی است که می‌توان به

تیپ شخصیتی «ماکیاولی» از نظریه‌ی «نیکولو ماکیاولی» فیلسوف ایتالیایی قرن پانزدهم میلادی اقتباس شده است و براساس دو دیدگاه عمده‌ی: «هدف، وسیله را توجیه می‌کند» و «صحبت کردن، مطابق میل مردم»، استوار می‌باشد.

گفته می‌شود «ماکیاولی» در زمانه‌ای می‌زیسته که شخصیت‌های دروغ‌گو، فریب‌کار و بی‌رحم، اوضاع را در کنترل خود داشتند و به‌تبع، جامعه‌گرایی شدیدی به نیرنگ، جعل شخصیت واقعی، نقش بازی کردن و مطابق میل دیگران رفتار کردن برای رسیدن به مقصود پیدا کرده بود. بدین ترتیب، نظریه‌ی او، روایتی ناخوشایند از اوضاع نابه‌سامان روانی و اجتماعی مردم زمان خود بود و افرادی که طبق مثنی «ماکیاولی» رفتار کنند، با عنوان شخصیت «ماکیاولی» شناخته می‌شوند.

در میان انواع تیپ‌های شخصیتی، شخصیت «ماکیاولی» از جمله

گاهی نگاهی به خود بینداز!

چند روزی بود که آقای «امیدوار» سخت غرق در افکار خود بود و به نظر می‌رسید دیگر از آن فرد بانشاط، سرحال و باروحيه که حضورش در هر جمعی ایجاد انگیزه‌ی زندگی می‌کرد، خبری نیست.

دوستان و آشنایانی که سال‌ها با او مراد داشتند، کم‌کم داشتند نگران می‌شدند و هر کدام هم که از او علت را جویا می‌شد، به‌جز «مسأله‌ای نیست و کمکی از شما بر نمی‌آید»، پاسخ دیگری نمی‌شنید تا این که سرانجام، اطرافیان تصمیم گرفتند موضوع را با «استاد بینا» مطرح کنند. او کسی بود که آقای «امیدوار» در خوی و منش و رفتار، بسیار متأثر از وی بود و ارتباط آنان به‌نوعی بوی مراد و مریدی می‌داد.

آقای «امیدوار» هم‌چنان در افکار خود غرق بود که دست گرم و آشنایی را بر شانه‌ی خود احساس کرد. سر بلند کرد و با دیدن «استاد بینا» باشتاب از جای برخاست و او را در آغوش کشید. پس از مدتی خوش‌وبش، «استاد بینا» به آرامی گفت: «شنیده‌ام که در کشتی زندگی، ضربه‌فنی شده‌ای.» آقای «امیدوار» تبسمی کرد و پاسخ داد: «گمان نمی‌کردم که زندگی را به کشتی که بیش از هر چیز نیاز به زور بازو و مهارت‌های فیزیکی دارد، تشبیه کنید و تا به حال از شما شنیده بودم که زندگی، چون شطرنج است که قدرت تفکر و آمادگی فکری در آن، حرف اول را می‌زند.»

«استاد بینا» با این پاسخ زیرکانه و موشکافانه‌ی آقای «امیدوار»، اطمینان یافت که با مشکل حادی روبه‌رو نیست. پس پرسید: «چرا مدتی‌ست که در فکر هستی و بیش از آن‌که به اطراف و پیرامون خود توجه داشته باشی، در خود فرو رفته‌ای؟» آقای «امیدوار» پس از لحظه‌ای تأمل پاسخ داد: «چند وقتی بود که احساس می‌کردم نیاز به بازیابی و بازنگری خود دارم. هر چند شاید اندکی در این کار زیاده‌روی کرده باشم به‌ویژه این که خوب می‌دانم در مرکز توجه افراد بسیاری هم قرار دارم اما ترجیح دادم پیش از آن که مورد بازیابی دیگران قرار گیرم، ابتدا خود دست‌به‌کار شوم.»

«استاد بینا» با لبخند دلنشینی که بر لب آورد، رضایت قلبی خود را به‌خوبی بیان کرد و گفت: «همه‌ی ما گاهی و حتی پیوسته نیاز به بازنگری و مرور روند زندگی خود داریم و بسیار خوشحال هستم که تو نیز به‌خوبی بر این امر، اشراف داری اما توجه داشته باش که لازم نیست با نگران‌ساختن دیگران، هزینه‌ی بازنگری خود را بر آنان تحمیل کنی.» آقای «امیدوار» خنده‌ی بلندی کرد و «استاد بینا» را در آغوش گرفت و گفت: «استاد! کنایه‌ی آموزنده‌ای بود. متشکرم.»

عبدالحمید پوراسد
نویسنده و مترجم

مقصود خود رسید. آنان در به‌کارگیری دروغ، چنان حرفه‌ای عمل می‌کنند که از نظر دیگران، صداقت جلوه می‌کند.

● **تخریب‌گری:** این قبیل افراد، بالقوه تخریب‌گر هستند و همیشه سعی دارند شرایط و اوضاع را به ضرر دیگران سم‌پاشی کنند. درواقع یک موضع «برد-باخت» در پیش می‌گیرند؛ برد برای خودشان و باخت برای دیگران.

● **به‌بردگی گرفتن دیگران:** به دیگران تا اندازه‌ای پر و بال و اجازه‌ی پیشرفت می‌دهند که در خدمت‌شان باشند و در درجه‌ای پایین‌تر قرار بگیرند و اگر زمانی برسد که دیگران، هم‌سطح یا بالاتر از آنان قرار بگیرند، از هر طریق ممکن، برای از میان برداشتن‌شان اقدام می‌کنند.

● **معادله‌ی آقا و برده:** به نظر آنان، افراد ضعیف و بی‌پشتوانه، حق اظهارنظر یا ابراز وجود ندارند بلکه تنها افرادی که از حیث ثروت، قدرت و شهرت در سطح بالا هستند، قابل احترام‌اند.

● **تحمیق دیگران:** همیشه دیگران را موجوداتی احمق و بی‌شعور قلمداد می‌کنند و خود را بالاتر و با فرهنگ‌تر از همگان می‌دانند و یک‌نوع احساس برتری کاذب نسبت به دیگران دارند.

● **خشیم نرم:** افرادی خشمگین و کینه‌جو هستند اما در ظاهر نشان نمی‌دهند؛ شاید به آنان گفته شود که با پنبه سر می‌برند.

علت‌های پدید آمدن شخصیت ماکیاولی

همان‌طور که اشاره شد، یکی از علت‌های عمده‌ی شکل‌گیری چنین شخصیت‌هایی، محیط اجتماعی فرد است. به‌طور معمول محیط‌های استبدادی که افراد آن به‌توسری خوردن، گول خوردن و تن دادن به انفعال عادت کرده‌اند و درواقع منفعل‌بودن و پذیرش بی‌چون‌وچرای وضع موجود در روان آنان نهادینه شده است و هم‌چنین محیط‌های ناپایمن که افراد بشر از راه صداقت و یکرنگی به هدف خود نمی‌رسند و نیز محیط‌های غیراخلاقی که اباحی‌گری، اساس همه‌چیز است، به‌طور معمول مستعد پرورش شخصیت «ماکیاولی» است و پی‌گرفتن مشی «ماکیاولیست» در این محیط‌ها به‌صورت یک فرهنگ عمومی درمی‌آید.

پیش‌گیری از پدید آمدن شخصیت ماکیاولی

این قبیل شخصیت‌ها، جزو بیماران جامعه به‌شمار می‌روند و از این حیث که افرادی ویروسی هستند و می‌توانند ویژگی‌های خود را به دیگران نیز انتقال بدهند، یک زنگ خطر به‌شمار می‌روند. بهترین و شاید تنها‌ترین راه پیش‌گیری، این باشد که محیط اجتماعی به سمت و سوی سالم‌سازی پیش‌برود و فضای مناسبی ایجاد شود که افراد آن بدون توسل به دروغ، پنهان‌کاری و نیرنگ‌بازی، بتوانند خود واقعی‌شان را نشان بدهند و این اطمینان را داشته باشند که بابت یکرنگی و صداقت خود، تنبیه یا سرزنش نمی‌شوند و چیزی از دست نمی‌دهند.



سعید عبدالملکی

روان‌شناس، مشاور، عضو هیات علمی دانشگاه
S-Abdolmalaki@yahoo.com